

مقدمه

تعریف حزب به دلیل پیچیدگی و تنوع آن کار چندان آسانی نیست. به همین دلیل از سوی صاحب‌نظران و اندیشمندان سیاسی تعاریف مختلفی از آن شده است. تولد اولیه احزاب سیاسی در کشورهای اروپای غربی است، کشورهایی که مهد لیبرالیسم و حکومت منبعث از آن است، از نظر آنان «احزاب سیاسی تشکیلاتی اجتماعی هستند که سعی دارند جریان‌های سیاسی را تحت نفوذ خود درآورند و نامزدهای خود را در مواقع انتخابات به قدرت رسانند و اهداف آن را در برنامه دولت بگنجانند.» به عبارت دیگر حزب به تجمعی از مردم گفته می‌شود که درباره برخی از مسائل نظر مشترک دارند و برای دستیابی به هدفهای مشترک تشریک مساعی می‌کنند، چنانکه مهمترین هدف آنها ترویج عقاید و سیاستهای خود برای سلطه بر حاکمیت و نهایتاً بدست آوردن حکومت است.

صاحب‌نظران بر این اعتقادند که احزاب و تشکلهای از گروه انسانهای هم فکر نشأت می‌گیرد، زیرا انسان فطرتاً موجودی اجتماعی است و این حالت حکم می‌کند افرادی که عقاید مشترک دارند؛ دور هم جمع شوند و به هم فکری و تبادل نظر بپردازند. اهداف سیاسی، اقتصادی، مذهبی، عوامل محیطی، نژادی، هر کدام می‌توانند دلایلی برای تشکیل احزاب در جامعه باشند. بنابراین حزب واحدی اجتماعی و زنده است که اهداف معینی دارد و براساس این اهداف مسوولیت اعضا مشخص می‌شود. این مسوولیتها به گونه‌ای با یکدیگر مرتبط هستند که در مجموع مکمل هم می‌باشند و همان مجموع هدف حزب را تأمین می‌کنند. از این رو است که می‌توان حزب را به موجودی زنده تشبیه کرد که اعضای آن با هدفی مشترک و نظم معقول در ارتباط با یکدیگر وظائف خود را انجام می‌دهند.

لازمه تشکیل احزاب دو شرط اساسی است:

اول : تشکیلات منظم

دوم : کسب پشتیبانی مردم و اعضا فعال

امروزه بسیاری از کشورها وجود احزاب را ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌دانند، زیرا به اعتقاد آنان به وسیله احزاب استبداد قوه مجریه مهار می‌شود، اعتبار قوه مقننه افزایش می‌یابد، انتخابات آسان می‌شود، آزادیهای مختلف تضمین می‌گردد، قوای عناصر فعال و هم فکر متمرکز می‌شود و از این راه استعداد انسانهای مستعدشکوف می‌شود و کمک بسیاری به پرورش نیروهای زنده و طبعا اداره بهینه کشور می‌شود. در کنار منافع بیشماري که احزاب دارند، ضررهایی هم به همراه دارند که از آن قبیل است : تهدید اتحاد و انسجام مردم، نادیده گرفتن افراد با استعداد و مفید خارج از حزب، ترجیح منافع حزب بر منافع ملت، جلوگیری از بروز صحیح افکار عمومی، از بین رفتن هویت فردی انسانها، رقابتهای ناسالم سیاسی و گروهی، گرفتار آمدن رهبران حزبی به نخوت و دیکتاتوری و سرانجام بی اثباتی دولت و جامعه؛ امری که در بسیاری از کشورهایی که با سیستم غربی یا شبه غربی اداره می‌شوند، قابل رویت است.

در ایران تا قبل از مشروطیت فعالیت حزبی سابقه چندانی نداشته است و تا دوره ناصرالدین شاه، که فراموشخانه به مثابه يك تشکیلات رسمی و سیاسی فعالیت داشت از وجود احزاب خبری نیست.

احزاب سیاسی با آغاز مشروطیت در ایران رشد کرد. ابتدا دسته کوچکی به نام «اجتماعیون عامیون» به رهبری «حیدرخان عموآوغلی»، تبعه روس و از اعضای حزب سوسیال دموکرات روسیه به طور مخفیانه تشکیل شد و سپس مجلس در ذیقعه 1327 تشکیل احزاب را به صورت علنی و رسمی تأیید کرد و «حزب دموکرات» به عنوان نخستین حزب رسمی ایران کار خود را آغاز کرد. چنانچه ملاحظه می‌شود نخستین احزاب رسمی و غیررسمی ایران سرسپرده نظام بلشویکی بودند و این سرسپردگی احزاب مع الاسف تا آخر ادامه داشت و هر حزبی که در ایران تشکیل می‌شد معمولاً چه از نظر فکری و چه از نظرگاههای دیگر سر درآخور بیگانگان داشت. دلیل اصلی شکست احزاب سیاسی مختلف در این سرزمین و سرخوردگی مردم از جریان حزب را باید در همین علت جستجو کرد، به گونه‌ای که اصطلاح «حزب بازی» واژه‌ای، منفی و اهانت آمیز در افواه عامه استعمال می‌شده است. رهبران سیاسی معمولاً از منورالفکرهای غربزده بودند که به دلیل بریدگی از اعتقادات و فرهنگ اسلامی جامعه و دبستگی فراوان به مظاهر غربی خوشبختانه نتوانستند در مردم و افکار عمومی نفوذ کنند. در کنار این علت اساسی، تصویربرداری ناقص و کاریکاتورگونه احزاب ایرانی از احزاب غربی و بیسوادی عامه مردم و استبداد خشن دوره پهلوی،

مزید بر علت شده بود. نهایت اینکه ساختار احزاب ایرانی زمینه فعالیت در جامعه را نیافت. هدف تشکیل احزاب سیاسی در دوره مشروطیت در دو امر زیر خلاصه می‌شد:

1- مبارزه با دین و متجدد کردن ایران و مردم، به اصطلاح تقی‌زاده، از سر تا نوک پا فرنگی کردن جامعه، فرنگی مآبی و مخالفت شدید با فرهنگ شیعی و علما دینی.⁽¹⁾

2- کاهش قدرت نامحدود شاه.

هر دوی این اهداف برگرفته از غرب، مخصوصاً انقلاب فرانسه بود که به طور خلاصه تفکر جدایی دین از سیاست و اجتماع و حاکمیت دموکراسی غربی و لیبرالیسم بود. بدین دلیل است که در مشروطه قدرت دربار قاجار کاهش یافت، ولی در قبال آن اشخاصی به حکومت رسیدند که وابسته به جریان‌های سیاسی غرب و دلبسته به فرهنگ و آداب و رسوم سیاسی غربی بودند.⁽²⁾ این گروه دانسته و ندانسته در دام استعمار غرب افتادند و زمینه ساز یکی از خشنترین و استبدادی‌ترین و در عین حال وابسته‌ترین حکومت‌های دوره ایران یعنی رضاخان میرپنج و سلسله مزدور پهلوی، شدند.

پس از انقلاب مشروطیت، مبارزات مردم ایران زیر لوای مکتب اسلام به صورت‌های مختلف ادامه داشت که از جمله آنها ایجاد نهضت انقلابی جنگل و مبارزات شهید آیت‌الله مدرس بود، اما با روی کار آمدن رضاخان به شکل وسیعی فعالیت‌های سیاسی و اسلامی سرکوب شد. رضاخان در مسند قدرت تمامی قوای کشور را قبضه کرد و استعمار هم که اهداف خود را با وجود رضاخان تأمین شده می‌دید، به شدت از او پشتیبانی می‌کرد. سرانجام تخلص او از عهدی که با اربابان انگلیسی خود بسته بود باعث سقوط وی شد و پسر کم تجربه او یعنی محمدرضا بر مسند پدر تکیه زد. با این تحول سیاسی، اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران هم دست خوش تغییراتی شد که از آن جمله ایجاد حرکت‌های سیاسی اجتماعی سه گانه مذهبی، ملی و کمونیستی بود. قوای مذهبی که در رأس آن روحانیت قرار داشت، به دلیل فشار بیش از حدی که دوره دیکتاتوری رضاخان دیده بود نمی‌توانست به سرعت و آن طور که بایسته است سازماندهی لازم را برای تشکل مردم به وجود آورد.

ملیون نیز غالباً از نظر فکری معتقد به اندیشه‌های شبه فلسفی و جهان بینی غربی بودند و جایگاه چندانی در بین توده مردم مسلمان نداشتند. از نظر تشکیلاتی و سازماندهی توان متوسطی داشتند. گرچه در بین آنان افراد مسلمان نیز دیده می‌شد، اما جو حاکم بر حزب آنها جو غیرمذهبی و حتی ضد مذهبی بود. تفکر لزوم جاری شدن روشها و منشهای غربی (به عبارت دیگر قوانین غربی) چنان در اذهان آنها رسوخ کرده بود که معتقد بودند نظام قانونگذاری و اداری و قضایی جامعه باید بر اساس نسخه‌های غربی باشد و کلیه نظامات اجتماعی چونان دانشگاه، مدارس، صنعت، تولید، خدمات و بازرگانی، مصرف به تقلید از غرب بنا شود. و به نظر آنها این مبنا با مسلمانی هم منافاتی نداشت. یک فرد می‌تواند در عادات فردی و مناسک شخصی مسلمان باشد، نماز بخواند، روزه بگیرد، شراب نخورد و... اتفاقاً اگر کسی صالح بود و اهل فساد و مفسده‌جویی نبود، بر اساس آن عادات و رسوم و قوانین جامعه را بهتر اداره خواهد کرد.

حرکت دیگر، حرکت کمونیستی بود که ایدئولوژی و مرام این حرکت مارکسیسم بود. حرکت سیاسی کمونیستی در ایران در قالب حزب توده تشکل یافته بود که مستقیماً از جانب روسها حمایت و تقویت می‌شد. این حزب از نظر تشکیلاتی و سازماندهی قوی بود، اما از آنجا که با دین سرستیز داشت پایگاهی در میان مردم نداشت.

پس از شهریور 1320 و ایجاد فضای باز سیاسی، یک بار دیگر امکان مبارزه برای ملت مسلمان ایران جهت به دست آوردن آزادی و استقلال فراهم شد. رهبری مبارزات اسلامی را در این مقطع تاریخی آیت‌الله کاشانی، به عهده داشت. مبارزات مردم ایران حول محور اسلام و روحانیت و با اتحاد و یکپارچگی همه آزادی خواهان پس از یک دهه منجر به ملی شدن صنعت نفت گردید و شکست استعمار انگلیس را نوید داد، اما سازماندهی و آگاهی لازم برای تداوم این پیروزی وجود نداشت و سرانجام دست استعمار از آستین اختلاف بیرون آمد و پیروزی را به شکست تبدیل کرد که اوج آن کودتای 28 مرداد 1332 بود.

بعد از کودتای 28 مرداد بود که احزاب و تشکلهای سیاسی به ویژه تشکلهای مذهبی و ملی از هم پاشیدند و سران حزب توده هم بعد از وخامت اوضاع به خارج از کشور گریختند. بعدها گروهها و سازمانهای مختلف اعم از اسلامی (فدائیان اسلام) و غیراسلامی به شکل مخفیانه و زیرزمینی به فعالیت سیاسی پرداختند و برخی از آنها به شکل مسلحانه با حکومت پهلوی درگیر شدند، ولی همه آنها سرکوب شدند. البته احزاب فرمایشی چندی در دوره محمدرضا پهلوی فعالیت می‌کردند که بیشتر مانور سیاسی بود و کارایی چندانی هم نداشتند. اغلب این احزاب زیر نظر شخص شاه

فعالیت می‌کردند. اوج این وقاحت که پرده دری آشکار شاه بود تشکیل «حزب رستاخیز» در اواخر حکومت پهلوی بود که طی آن از جانب شاه اعلام شد که تمام احاد ملت باید در این حزب ثبت نام کنند و آنان که مخالف آن باشند، می‌باید کشور را ترک نمایند از مسائلی که گذشت می‌توان نتیجه گرفت که ایران قبل از انقلاب اسلامی سابقه تحزب را در یک محیط سالم تجربه نکرده است. غالب احزابی که قبل از مشروطیت تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی به وجود آمدند، مبنای اسلامی درستی نداشتند و در میان مردم هم نتوانستند جایگاه چندانی بیابند، حتی «نهضت آزادی» که توسط چند تن از چهره‌های مسلمان و حتی روحانی تشکیل شده بود، نیز اسلام را مبنای خود قرار نداده بود. چنانچه شهید مظلوم آیت الله بهشتی می‌فرمودند: «وقتی که نهضت آزادی تشکیل شد با خوشحالی از این خبر استقبال کردم و وقتی اساسنامه از اسلام به عنوان یک مکتب و از نهضت آزادی به عنوان یک حزب اسلامی تمام عیار یاد نشده بود به دوستان بنیانگذار نهضت آزادی انتقاد کردم و گفتم که این حزب مکتبی نیست، اسمش را هم گذاشته اید نهضت آزادی که آزادی همه اسلام نیست، آزادی از مسائل مهم بشری است و از ارکان اسلام، ولی همه اسلام نیست. دوستان گفتند: برای اینکه ما خواستیم آنها که آلرژیک دارند روی عنوان اسلام از این تشکیلات فرار نکنند.

ولی حقیقتش این است که قصه فقط اسم نبود، قصه این بود که مرامنامه نشانی داد که یک عده مسلمان آمده‌اند یک حزب درست کرده‌اند، اما در این تشکیلات سیاسی اسلام را به عنوان یک مکتب تمام عیار مطرح نکرده‌اند.»⁽³⁾

شروع نهضت الهی حضرت امام خمینی(ره) طوفانی بود که تمام روشنفکرانی را که معتقد به مبارزه پارلمانی در چارچوب رژیم شاه بودند، عقب راند و در عوض حضور روحانیت متعهد را در صحنه سیاسی جامعه به صورت چشم‌گیری گسترش داد. در پی این حرکت عظیم الهی گروهی از نیروهای مومن و معتقد به نهضت امام بنا به ضرورت دفاع از حریم اسلام ولایت تشکلی تحت نام «هیئتهای مو تله اسلامی» را با اعتقاد عمیق به ولایت فقیه و رهبری امام در ارتباط تنگاتنگ با امام و تحت نظارت شورای روحانیت متشکل از استاد شهید آیت الله مطهری، شهید مظلوم آیت الله بهشتی، استاد شهید آیت الله دکتر باهنر، آیت الله انواری و آیت الله هاشمی رفسنجانی، تشکیل دادند. این جمعیت تا سال 1344 کلیه امور مربوط به مبارزه اسلامی را اداره می‌کرد. اعدام انقلابی حسنعلی منصور مهره سرسپرده استعمار و نخست وزیر رژیم شاه از اقدامات موثر این جمعیت بود. شهید مظلوم آیت الله دکتر بهشتی در باره این جمعیت می‌فرمایند: «اولین تشکل اسلامی که ماها در آن حضور فعال داشتیم هیئتهای مو تله اسلامی بود که فعالترین گروه سیاسی، نظامی مخفی سالهای 41 به بعد بود. در همان موقع همین مردم، جوانهای ما از قشرهای مختلف در کمی کردند که باید تشکل داشت، و الا حوادثی که پیش می‌آید بر ما مسلط می‌شود.»⁽⁴⁾

تشکیل «سازمان مجاهدین خلق ایران» و حضور فعال آن در سالهای خفقان موجب جذب برخی عناصر معتقد به مبارزه جدی تر بدان شد، اما انحراف آن سازمان که به دلیل دوری از تفکر ناب اسلامی و روحانیت و در نتیجه افتادن در دام التقاط بود، ضرورت تشکیل حزبی با اهداف اسلامی را که در خدمت اهداف عالیه اسلام و زیر نظر روحانیت و تابع محض امام باشد، بیش از پیش ایجاب می‌کرد. شهید مظلوم آیت الله بهشتی در این باره می‌فرمایند: «...تا سال 50 که مساله گروه مجاهدین روشن شد و کشف شد از اینکه مجاهدین خلق یک سازمان سیاسی، نظامی به نظر می‌آمدند خیلی خوشحال شدم، ولی بعد به تدریج به نارسائیه و کمبودهای اساسی ایدئولوژی و سیاسی در کار مجاهدین پی بردم و وقتی که در سال 54 آن بیانیه را آنها دادند یعنی عده‌ای از آنها بیانیه الحادی را دادند، خیلی نگران شدم، در آن سال بود که به نظرم رسید که باید برای ایجاد یک سازمان سیاسی، اسلامی اصیلی تلاش کرد...»⁽⁵⁾

در هر حال فکر تشکیل حزبی اسلامی از سالهای بسیار دور فکر برخی از اندیشمندان مسلمان را به خود مشغول کرده بود، فکری که تحقق آن تا 29 بهمن 1357 به تأخیر افتاد. انقلاب اسلامی ایران تنها انقلابی سیاسی نبود که بر اساس آن رژیم و وابسته و استبدادی کنار زده شود و حکومتی آزاد و مردمی سرکار آید، بلکه انقلابی اعتقادی و فرهنگی بود که بر اساس دین مبین اسلام و فرهنگ سیاسی، الهی ائمه اطهار سلام الله علیهم شکل گرفت و ضمن از بین بردن رژیم استبدادی و وابسته که ژاندارم آمریکا در منطقه بود، نظام ولایت را که قرن‌ها در محاق فراموشی سپرده شده بود، مجدداً احیا کرد. این انقلاب که در حقیقت در برابر تمام حاکمیت و تفکر و فرهنگ غربی ایستاد. تنها انقلابی در عصر جدید بود که هیچ گونه وابستگی به شرق و

غرب نداشت و فقط مبتنی بر تفکر اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله و سلم) بود. طبعاً تمام نهادهایی که در آن شکل می‌گرفت، باید مبتنی بر تفکر متمدنی اسلام ناب باشد. از جمله این نهادها حزب بود. حزب در تفکر انقلابیون پیرو امام و یاران صدیق او که سالها در مکتب او تلمذ کرده بودند و در مکتب او درس مقاومت، شجاعت، خدمت و ایثار و از همه مهمتر اخلاص در تفکر و عمل را آموخته بودند، عبارت بود از پاسدار ارزشهای اسلامی، حزب در این تفکر نهادی سازنده، سرافراز، پویا، سخت کوش، متمدنی، پیشتاز، مردمی و در يك کلام الهی بود. معبدی که در آن گروهی شیفته خدمت به عبادت خدا مشغولند. حفاظت و پاسداری از انقلاب بزرگ اسلامی بزرگترین عبادت است و چه عاشقانه و صادقانه بودند آنهایی که با شهادت خود نهال تازه و پرتراوت انقلاب اسلامی را در معبد عشق آبیاری کردند.

بدین منظور در 29 بهمن 1357 رسماً فعالیت حزب جمهوری اسلامی توسط 5 نفر از یاران صدیق امام خمینی (ره) اعلام شد.⁽⁶⁾ اساسنامه و مرامنامه اولیه حزب نوید راهی نو در تاریخ احزاب در ایران و جهان بود. تصویری که سیاسیون از حزب داشتند، گروهی بود طالب قدرت، که متشکل می‌شوند که قدرت را بدست بگیرند و میراث انقلاب را میان خود تقسیم کنند، اما حزب جمهوری اسلامی حزبی بود که توسط چند تن از یاران امام تا سیس شده بود و توسط بسیاری از شیفتگان خدمت تقویت و متشکل، تا با هم فکری در جهت تداوم انقلاب بکوشند. بند اول «اصول خط مشی حزب» گویای این نظر یعنی تا کید بر تداوم انقلاب اسلامی بود.⁽⁷⁾ مقدمه‌ای که توسط موسسین حزب برای مرامنامه و اساسنامه اولیه حزب نگارش یافت گویاترین سندی است که ذهنیت آنان را نشان می‌دهد:

«در صد سال اخیر، ملت مسلمان ایران قهرمانی‌هایی داشته است و پیروزی‌هایی، همه در پرتو روح انقلابی اسلام ... و نیز شکست‌ها و ناکامی‌هایی، و همه بر اثر غفلت‌ها و آسان‌گیری‌ها. این تجربه‌هایی است که ما باید از آن درس بیاموزیم. ره آورد انقلاب کنونی ما، این پیروزی بزرگ، در معرض تهدید همان خطرهایی است که در گذشته محصول کوشش‌ها، فداکاری‌ها، خون‌ها و خشم‌های ما را به غارت برده است.

جنبش و پیروزی کنونی ایران پدیده‌ای کم نظیر و کم سابقه است، آن را با هیچ يك از مبارزات گذشته این ملت نمی‌توان مقایسه کرد. واقعه عظیمی است که در قالب تحلیلهای فلسفی و سیاسی رایج نمی‌گنجد. در این همه جای تردید نیست. لیکن به همین نسبت، به هدر رفتن دستاوردهای آن نیز خسارت آمیزتر و کمرشکن تر خواهد بود. این دغدغه باید ما را به کار و تلاش پیگیر و سکون ناپذیر دعوت کند و از آسایش غفلت آمیز مانع گردد. سرنوشت ما، سرنوشت همه ملت‌های مستضعف این منطقه از جهان را رقم خواهد زد. ما اکنون در برابر همه این ملت‌ها ملتزم و مکلفیم. اگر ضدانقلاب بتواند دستاوردی را که با تلاش و جهادی توانفرسا به دست آورده ایم ضایع کند و اگر توطئه‌ها بتواند پایگاه‌های گشوده شده را از دست ملت باز ستاند، تنها ما نیستیم که در آتش غفلت و شکست خود خواهیم سوخت.

تجربه جنبش‌های صد سال اخیر ایران باید همه را قانع کرده باشد که ما همواره ضربه بزرگ را از سوی فقدان يك تشکیلات نیرومند و همه گیر خورده ایم. در نهضت مشروطیت که می‌توانست لحظه مناسبی باشد برای ولادت جدید ملت ایران و نیز در جنبش مسلحانه جنگل که یکی از اصیل ترین حرکت‌های انقلابی، نظامی تاریخ اخیر ما است، همین نقیصه بزرگ بود که به نیروهای ضدانقلاب و توطئه گر، و جریان‌های وابسته و غیراصیل، امکان رخنه کردن و منهدم ساختن انقلاب را داد و دستاوردهای ارزشمند آن را به نابودی کشاند...

ایجاد تشکیلاتی نیرومند و سامان دادن به نیروهای فعال و ایجاد انسجام و انضباطی آهنگین است که می‌تواند حرکت انقلابی ملت را به درستی تداوم بخشد و جنبش را از خطر انهدام و دستاوردهای آن را از خطر غارت دشمن مصون بدارد...

ما این واقعیت انکارناپذیر را مدتهاست با همه وجود لمس می‌کنیم. سامان دادن به نیروهای پراکنده جنبش را فریضه‌ای بزرگ و اسلامی می‌دانیم...⁽⁸⁾

باری تاسیس حزب جمهوری اسلامی با استقبال غیر قابل تصور مردم مواجه شد و این نشان‌دهنده درستی تحلیل موسسین آن بود. مخالفت‌های عناصر لیبرال و منافق و به طور کلی ضد انقلاب نیز دلیل دیگری بر درستی اقدام به موقع آن یاران هوشمند امام بود.⁽⁹⁾ بله حزب در حقیقت تشکلی برای همه مردم و بر محور روحانیت متعهد بود، روحانیتی که با آشنایی عمیق به مبانی اسلامی ناب و درك به موقع زمان پرتلاطم بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و تاریخ تلخ شکست‌های این ملت و سیاست بازیهای سیاست‌بازان شرق و غرب و اذنان آنها تشکیلاتی صد در صد اسلامی

منطبق با شرایط روز را بنیان نهاد. تشکیلاتی که به حق «تشکیلات الهی» نام گرفت. نقش سازنده حزب در سالهای اولیه انقلاب در پاسداری از حریم انقلاب و اهداف بلند آن برکسی پوشیده نیست. حزب مرکز هدایت و سازماندهی احساسات و شعارها و بلکه شعور ملت انقلابی ایران بود، احساساتی که برپایه امامت قرار داشت. حضور حزب الله در درون حزب جمهوری اسلامی پدیده ای بود که بسیاری از توطئه های دشمنان داخلی و خارجی نهضت اسلامی را خنثی کرد و از آنجا که ما بنا داریم ریز فعالیتهای و خدمات حزب را در طول فعالیت پربارش به تفصیل و با تکیه بر اسناد و مدارک در مجلدات مختلف بیان کنیم، در این مقدمه کوتاه به همین مختصر بسنده می کنیم.

کتاب حاضر در حقیقت چهارمین جلد از مجموعه 7 جلدی کتابی درباره فعالیت 9 ساله حزب جمهوری اسلامی است. این کتاب شرح دقیق و جامعی از نخستین کنگره حزب جمهوری اسلامی است که از تاریخ اردیبهشت 1362 تشکیل شد و شامل مقدمات آن، فعالیت و صورت جلسات و طرحهای ستاد برگزاری نخستین کنگره حزب، گزارش دقیق و جامع جلسات عمومی کنگره و کمیسیونهای آن، مصوبات کنگره اول که شامل اساسنامه و مرامنامه و مواضع ما و بسیاری آیین نامه های مهم حزب از جمله آیین نامه های شورای مرکزی، شورای داور و غیره است و همچنین اطلاعات جامعی درباره شورای مرکزی و شورای داور حزب، داوطلبان عضویت در آنها و رای گیری و انتخاب شوندهگان شورای مرکزی و بیانات و گزارشات شخصیتهای طراز اول حزب در کنگره که خود حاوی اطلاعات بسیار مفیدی است، می باشد.

نام کتاب را «تشکیل فراگیر، مروری بر یک دهه فعالیت حزب جمهوری اسلامی» گذاشتیم و هر جلد دربرگیرنده دوره ای از فعالیت آن است که با عنوانی فرعی مشخص شده است:

جلد اول: مقدمات تشکیل حزب تا استقرار نظام جمهوری اسلامی

جلد دوم: حزب از استقرار نظام جمهوری اسلامی تا 6 تیر 1360

جلد سوم: حزب از 7 تیر 1360 تا نخستین کنگره حزب

جلد چهارم: نخستین کنگره حزب جمهوری اسلامی به روایت اسناد (کتاب حاضر)

جلد پنجم: حزب از نخستین کنگره تا کنگره دوم

جلد ششم: حزب از کنگره دوم تا تعطیلی فعالیتهای حزب

جلد هفتم: جمع آوری اسناد و مدارک حزب جمهوری اسلامی بعد از تعطیلی آن

به دلایلی مجموعه حاضر را از جلد چهارم آن آغاز خواهیم کرد و سعی داریم بلافاصله مجلدات دیگر را تقدیم مشتاقان بنماییم. مهمترین دلیل تقدم جلد چهارم این است که آن از مدتها قبل آماده شده بود، که اینک با ویرایش مجدد و تجدیدنظر کلی تقدیم خوانندگان خواهد شد. تکیه اصلی ما در این مجموعه بر اسناد و مدارک داخلی می باشد، تا محققان به منابع درجه اول حزب جمهوری اسلامی دسترسی داشته باشند و آیندگان را چراغی فراوی باشد. در این جلد کمتر به تحلیل موضوعات پرداخته شده است، دلیل آن نیز اولا وضوح اسناد و مدارک و ثانيا مشغله بسیار نویسندگان است. بنا داریم در مجلدات دیگر ضمن تکیه بر مدارک دیدی تحلیل گونه از روند حوادث داشته باشیم، زیرا برای کسانی که حوادث توفانی اوایل انقلاب را درک نکرده اند، تحلیل و بررسی دقیق آنچه در آن زمان جریان داشته و بالطبع خدمات بیشمار حزب بسیار مشکل خواهد بود.

اینک که به یمن آزادیهای در پرتوولایت فقیه و خون شهدای عظیم الشان انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی، سلاقی و گرایشهای مختلف در درون نظام و تحت تابعیت رهبری فرزانه آن به فعالیت می پردازند و روز به روز بر فعالیت متشکل و حزبی تا کید بیشتری می شود؛ کتاب حاضر منبع بسیار خوبی برای دوستان انقلابی باشد که مایلند فعالیتی منظم و درعین حال الهی داشته باشند.

تجربه موفق حزب جمهوری اسلامی در تحت پوشش قراردادن نیروهای مومن و انقلابی در سازمانی واحد و هدایت و سازماندهی آنها در جهت اهداف بلند امام راحل برای تمام کسانی که می خواهند این راه را ادامه دهند و در حقیقت بازوی رهبری در جهت تقویت بنیه اعتقادی و دفاعی عناصر مومن و متدین جامعه اسلامی باشند، راهنمایی صادق خواهد بود.

اینجانب از اوایل تا سپس حزب جمهوری اسلامی بنا به دعوت شهید مظلوم آیت الله دکتر بهشتی به حزب دعوت شدم و به عضویت شورای مرکزی حزب در آمدم و از سوی حضرت آیت الله خامنه ای که بعد از شهادت آیت الله دکتر باهنر دبیرکل حزب گردیدند، به عنوان جانشین دبیرکل انتخاب شدم لذا در جریان مسائل حزب از اوایل تاسیس آن تا آخرین روزهای فعالیت پربارش بودم. بدین دلیل علاقه زیادی داشتم به تشریح فعالیتهای حزب جمهوری اسلامی بپردازم که در حقیقت تبیین تاریخ مقطع مهمی از انقلاب خونبار اسلامی است. اما به دلیل مشغله های فراوان به این کار موفق نمی شدم. اینک که خداوند متعال این توفیق را به اینجانب داد او را شاگردم و از درگاه با عظمت او عاجزانه خواستارم که توفیق تکمیل این کتاب را به ما بدهد. به اعتقاد ما حزب جمهوری اسلامی

تنها حزبي در جهان بود که بر مبناي اسلام ناب محمدي (صلي الله عليه و آله و سلم) شکل گرفت و هدفمان از انتشار اين کتاب هم نماياندن عظمت کار اين تشکيلات فراگير و نشان دادن نقاط قوت و منحصر بفرد آن به محققان علوم اجتماعي و سياسي و پژوهشگران تاريخ معاصر ايران، مخصوصا انقلاب اسلامی است .

آنچه در اين کتاب آمده است، بي نقص نيست و مدعي نيستيم که در اين باره حق مطلب ادا شده است . در اين زمينه خود را محتاج راهنمايها و ارشادات عزيزان صاحب نظر می دانيم . از اين موقعيت استفاده کرده و از تمام فعالين و ياران سابق حزب که سند يا مدرکي در رابطه با حزب در اختيار دارند، درخواست می کنم آنها را براي اينجانب ارسال فرمايند و ما را در جهت تحقق اين هدف مهم ياري فرمايند. ان شاء الله اجرشان مآجور است . بديهي است اصل سند بعد از استفاده عودت داده خواهد شد.

در پايان مناسب می دانم که اين کتاب را به تمام شهيداي حزب جمهوري اسلامی خصوصا شهيداي هفتم تير و شوراي مرکزي حزب و سالار آنها شهيد مظلوم آيت الله دکتر بهشتي تقديم کنم .

و من الله التوفيق دکتر عبدالله جاسبي تير ماه 1377

- (1) به دار آويختن شهيد شيخ فضل الله نوري که از رهبران مشروطه بود و شعار مشروطه مشروعه را سر مي داد، شاهدي بر صدق اين مدعا است.
- (2) وقتي ميگويم غرب منظورمان تنها غرب سياسي نيست، بلکه منظور ما غرب به معنای عام آن است که شامل اروپاي غربي، آمريکا، شوروي سابق و حتي ژاپن هم ميشود؛ اگر چه نمونه اخير در آن زمان مصداقي نداشت .
- (3) از حزب چه می دانيم. مصاحبه با شهيد مظلوم آيت الله دکتر بهشتي. ناشر: دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی. بی تا. ص: 19
- (4) انگيزه تشکيل حزب جمهوري اسلامی. واحد آموزش حزب جمهوری اسلامی. بی تا. ص: 14
- (5) از حزب چه می دانيم؟ ص: 20
- (6) فکر تاسيس حزب جمهوری اسلامی مدتها قبل از پيروزی انقلاب اسلامی در ذهن بعضی از ياران امام بود، و از تابستان سال 1356 مقدمات تشکيل حزبي اسلامی فراهم شده بود، اما به دلایلی که مجال بيان آن در اين مختصر نيست، تحقق عملی آن تا آن تاريخ به عقب افتاد. اگر خداوند متعال توفيق دهد در جلد اول اين مجموعه مشروح جريانات تاسيس حزب را توضيح خواهيم داد.
- (7) رجوع شود به طرح مرامنامه و اساسنامه حزب جمهوری اسلامی. بی تا.
- (8) همان. ص: 4 _ 2
- (9) بررسی اهداف و عملکرد اوليه حزب در روزهای اوليه عمر انقلاب اسلامی از مواردی است که بايد بدان به دقت و تفصيل پرداخته شود، امری که بنا داریم، در جلد اول اين مجموعه به آن بپردازيم، اگر خدا توفيق دهد.